

شهرهای فینیقی

نویسنده:

دکتر محمد ابوالمحاسن عصفور

مترجم:

شقایق نیاپور خشت مسجدی

عصفور، محمد ابوالمحاسن	سرشناسه
Asfur, Muhammad Abu al-Mahasin	
المدين الفينيقية، فارسی	عنوان قرارداد
شهرهای فنیقی / نویسنده محمد ابوالمحاسن عصفور؛ مترجم شقایق	عنوان و نام پدیدآور
نیاپور خشت مسجدی	
تهران: ایشثار، ۱۴۰۳	مشخصات نشر
۱۵۰ص	مشخصات ظاهری
۹-۹۱۰۴۶-۶۲۲-۹۷۸	شابک
فیبا	وضعیت فهرست نویسی
فنیقی‌ها	موضوع
Phoenicians	
آثار تاریخی فنیقی	
Phoenician antiquities	
فنیقی‌ها -- مدیترانه، نواحی غربی -- تاریخ	
Phoenicians -- Western Mediterranean -- History	
فنیقیه	موضوع
Phoenicia	
نیاپور خشت مسجدی، شقایق، ۱۳۸۰- مترجم	شناسه افزوده
DS۸۱	رده بندی کنگره
۹۳۹/۴۴	رده بندی دیویی
۹۶۲۹۴۸۸	شماره کتابشناسی ملی
فیبا	اطلاعات راورد کتابشناسی

ایشثار

شهرهای فنیقی

نویسنده: محمد ابوالمحاسن عصفور	مترجم: شقایق نیاپور خشت مسجدی
نشر: ایشثار	نوبت چاپ: اول ۱۴۰۳
تیراژ: ۱۰۰ نسخه	طراح جلد: مهدیه سعدی
صفحه‌آرا: زهرا استواری	

سایت: ishtaar.ir

اینستاگرام: ishtarpublication

ایمیل: ishtarpublication@gmail.com

تلفن: ۰۹۰۲۱۱۳۵۹۷۶ تلگرام: ۰۹۰۲۱۱۳۵۹۷۶

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۱۰۴۶-۸-۲

(کلیه حقوق محفوظ و مخصوص انتشارات ایشثار است)

تکثیر، انتشار و بازنویسی این اثر یا قسمتی از آن به هر شیوه (از قبیل چاپ، فتوکپی، الکترونیکی، صوت و تصویر) بدون اجازه مکتوب ناشر ممنوع است و پیگرد قانونی دارد.

فهرست مطالب

مقدمه.....	خ
پیشگفتار.....	ذ
تلاش‌های باستان‌شناسی در فینیقیه.....	۱
تاریخ سرزمین فینیقیه.....	۵
اول: راس شمرا.....	۸
دوم: اوگاریت.....	۹
سوم: ارواد.....	۱۰
چهارم: بیلوس (جیل).....	۱۱
پنجم: صور.....	۱۷
ششم: صیدا.....	۲۵
هفتم: عکا.....	۲۸
توسعه‌یافتگی فینیقی.....	۳۱
فینیقی‌ها در قبرس.....	۳۵
فینیقیان غربی و کارتاژی‌ها در آفریقا.....	۳۹
تاسیس کارتاژ.....	۳۹
دیگر شهرک‌های فینیقی.....	۴۱
نبرد کارتاژ و یونان.....	۴۷
نبرد کارتاژ و روم.....	۵۷
جنگ پونیک اول (۲۶۴-۲۳۱ ق.م).....	۵۹
جنگ پونیک دوم (۲۰۲-۲۱۸ ق.م).....	۶۰
حمله هانیبال به ایتالیا.....	۶۱
نبرد تربیا ((Trebia)) دسامبر سال ۲۱۸ ق.م.....	۶۲
نبرد دریاچه تراسمینو ((Trasimene)) سال ۲۱۷ ق.م.....	۶۳
جنگ کانای ((Cannae)) سال ۲۱۶ ق.م.....	۶۳

- تغییر موازنه قوا در دریای مدیترانه..... ۶۵
- جنگ پونیک سوم..... ۶۷
- تمدن فنیقی..... ۶۹
- اول: شهرهای فنیقی و تأسیس آنها..... ۶۹
- دوم: نظام‌های سیاسی..... ۷۵
- سوم: فعالیت اقتصادی..... ۷۹
- چهارم: نظامی..... ۹۰
- پنجم: دین..... ۹۸
- ششم: هنر..... ۱۰۶
- هفتم: پیدایش خط و اختراع حروف الفبا..... ۱۳۵

مقدمه

برخی از شهرهای خاور نزدیک، به دلیل جایگاه سیاسی یا مذهبی‌شان، در دوره‌های مختلف تاریخ کهن از شهرت بسیاری برخوردار بوده‌اند. بعضی از این شهرها نمایانگر فرقه‌های سیاسی بودند یا خود شهرهای کوچکی را ایجاد می‌کردند و برای رهبری یا سلطه و حکمرانی بر دیگر شهرها با یکدیگر در ستیز بودند. شاید شهرهای کهن سومر، همچون اور، لگاش، و رکا و... بهترین مثال برای آن باشند. از جمله شهرهایی که در تاریخ کهن این چنین شهرت یافته‌اند، پایتخت کشورهای بزرگ به شمار می‌رفتند؛ همچون منف و طیه در مصر، بابل، اکد، آشور و نینوی در بین‌النهرین، خاتوساس در آسیای صغیر، پرسپولیس در ایران و... بی‌شک شهرت این شهرها ریشه در قدرت‌نمایی کشورهایی داشت که به آن‌ها منسوب بودند.

در کنار چنین شهرهایی که به دلیل جایگاه سیاسی‌شان شهرت یافته بودند، شهرهای دیگری وجود داشتند که شهرتشان از جایگاه مذهبی آن‌ها نشأت می‌گرفت. جایگاهی که در بیشتر اوقات از اساطیر پیرامونشان سرچشمه می‌گرفت؛ مانند هلیوپولیس (اون) و طیه در مصر، نیبور در بین‌النهرین و... .

احتمالاً انتساب شهرت شهرهای خاور نزدیک کهن، به جایگاه سیاسی یا مذهبی‌شان در تاریخ کهن آن‌ها رایج بوده و صرفاً شهرهای فنیقی که وضعیت منحصر به فردی در آن سرزمین داشتند، از آن مستثنی بوده‌اند. این شهرها از وضعیت محیطی خود به نحو احسن بهره جستند و شهرت بسیاری کسب نمودند؛ بی‌آنکه از جایگاه سیاسی یا دینی‌شان استفاده کنند. همچنین جای تعجب دارد که شهرهای فنیقی اصلی شرقی همچون شهرهای فنیقی نوپای غربی در سیاست بین‌المللی نقشی موثر نداشته‌اند.

شاید به این علت باشد که شهرهای فنیقی شرقی در مسیر کشورهای قرار داشت که از قدرت‌های بزرگ خاور نزدیک کهن محسوب می‌شدند و فرصت رقابت با این قدرت‌ها برایشان فراهم نبود. شهرهای فنیقی شرقی بسیار تحت سلطه این شهرها قرار می‌گرفتند. اما شهرهای فنیقی غربی و به ویژه کارتاژ به دور از درگیری‌ها در خاور نزدیک رشد و نمو پیدا کرد و به بزرگترین قدرت حوزه دریای مدیترانه بدل گشت. تا اینکه یونان و سپس روم پا به عرصه نهادند و رقابت بر سر سلطه بر دریای مدیترانه در میان آن‌ها شعله گرفت. سرانجام رومیان آن‌ها را ریشه‌کن کردند.

در هر صورت شهرت این شهرهای فنیقی، چه شرقی و چه غربی، اساساً متکی به فعالیت اقتصادی‌اش بود که جایگاه تجاری برجسته‌ای میان کشورهای جهان کهن برای آن‌ها فراهم می‌آورد.

در سرزمین اصلی (شهرهای فنیقی شرقی)، درختانی با چوب مناسب وجود داشت که از یک سو مورد پسند کشورهای همسایه بود و از سوی دیگر فنیقی‌ها یا این چوب‌ها کشتی‌هایشان را برای دریانوردی می‌ساختند. همچنین استخراج رنگ‌های جدید از صدف و برخی کرم‌های موجود بر درختان، برای منسوجاتشان، موجب شد که ملل مجاور، به سوی آن یورش برند و این امر آنان را به سیر و نفوذ در دریا سوق داد. سپس این کشورهای همسایه به ایجاد مراکز تجاری‌شان پرداختند که بعدها به مستعمرات تجاری ارتقا یافت و جایگاه عظیمی یافت. تا جایی که یکی از آن‌ها (یعنی کارتاژ) به سرزمین اصلی تبدیل شد.

تردیدی نیست که شکوفایی تجارت و موفقیت آن‌ها در مبادلات بازرگانی با کشورهای مختلف، میل به ماجراجویی جهت دستیابی به بازارهای جدید و جست‌وجوی کالاهای باکیفیت را در آن‌ها برانگیخت. از این رو صرفاً به مبادله محصولات خود اکتفا نکردند؛ بلکه به مبادله کالاهای گوناگون با کشورهای مختلف نیز پرداختند. این امر موجب شد که آن‌ها پیام‌آور تمدنی باشند که مظاهر مختلف آن را در سرزمین‌های گوناگون رد و بدل می‌کردند. همچنین خود نیز از فرهنگ کشورهای دیگر تأثیر گرفته و بر فرهنگ آن کشورها تأثیر نهادند. شهرهای فنیقی حتی در دوران ضعفش، اهمیتش را از دست نداد و از ارزش فرهنگی‌اش کاسته نشد. چراکه آن آثار بیشتری را نسبت به دیگر شهرهای خاور نزدیک در تاریخ بر جا نهاد. پیشرفته‌ترین شیوه‌های استثمار اقتصادی متعلق به این شهرها بود. همچنین پیدایش خط و حروف الفبای پیشرفته که از جمله مهم‌ترین اصول فرهنگ معاصر است، از این شهرها به یونان و سپس جهان معاصر انتقال یافت.

برخلاف نقش فرهنگی بارزی که شهرهای فنیقی داشتند، اما شکاف‌های فراوانی در تاریخ آن وجود دارد و یک زنجیره به هم پیوسته را به تصویر نمی‌کشد. علاوه بر آن، بسیاری از وقایع تاریخ آن به کمک منابع کشورها و ملل دیگر به دست آمده. بنابراین جمع‌آوری اجزای وقایع تاریخی این شهرها در یک چارچوب کامل تاریخی آسان نیست و نمی‌توان به وضوح اهمیت نقش این شهرها در تمدن‌های جهان کهن را به تصویر کشید. با چنین تفاسیری نمی‌توانم ادعا کنم که در خصوص تاریخ شهرهای فنیقی حق مطلب را ادا کرده‌ام؛ اما همین مرا بس که در حد توانم کوشیده‌ام.

والله ولی التوفیق.

دکتر محمد ابوالمحاسن عصفور

پیشگفتار

مصر باستان واژه (فنخو)^۱ را از دوره پادشاهی کهن^۲، برای اشاره به ساکنان منطقه سورى^۳ به کار می‌برد. همچنین نام فینیقی‌ها (Phoivikes) به عنوان یک ملت و نام فینیقیه (Phoivikn) به عنوان یک کشور (یا منطقه) از دوران هومر یا پیش از آن در نوشته‌های یونان آمده است.

همچنین از لفظ فینکس (Phoivix) برای اشاره به ملیت استفاده می‌شد؛ با اینکه در اصل به معنای رنگ سرخ کبود یا ارغوانی و یا رنگ قهوه‌ای می‌باشد و با آن نخل‌ها یا مردم کنعان را که پوستی قهوه‌ای‌رنگ داشتند، توصیف می‌نمودند. از این‌رو برخی از پژوهشگران بر این باورند که یونانیان این عبارت را برای اشاره به ملیت فینیقی به کار می‌بردند و آن به علت شهرتشان در رنگ‌آمیزی منسوجات و تجارت آن بود. با وجود این، احتمالاً یونانیان واژه مصری (فنخو) را پس از تحریف به (Phoivikes) برای اشاره به فینیقیه و (Phoivikn) را برای اشاره به فینیقی‌ها به کار می‌بردند. همچنان که روم نیز لفظ پونی (Poeni) را برای اشاره به کارتاژی‌ها و دیگر افراد این ملت در غرب دریای مدیترانه به کار می‌بردند و آن لفظ تحریف‌شده لاتینی از لفظی یونانی است. با وجود این میان آن‌ها و فینیقی‌های شرق تفاوت قائل شدند و به همین جهت آن‌ها را فوینیقی (Poenics) نامیدند؛ این در حالی است که آن‌ها اقرار داشتند که از یک تبار هستند.

متون اکدی و برخی از متون مصری و حتی خود فینیقی‌ها، لفظ کنعان را برای اشاره به کشورهای که در آن سکونت داشتند و لفظ کنعانی را برای اشاره به بومیان آنجا به کار می‌بردند. اما یونان و روم برخلاف آن‌ها، هیچ‌گاه نام کنعانی و مشتقاتش را به کار نمی‌بردند.^۴ با این وجود که لفظ کنعان در انجیل جهت اشاره به میهنشان آورده شده بود.^۵

1. A. Erman and H. Grapow, Woerterbuch der agyptisch sprache, B1, p.577

۲. منظور از پادشاهی کهن مصر، دوره پادشاهی دودمان‌های شش‌گانه نخست، از ۳۱۰۰ + ۱۵۰ تا ۲۱۸۴ ق.م یا به باور برخی از دودمان سوم تا ششم است. بنگر به کتاب مولف (آثار خاور نزدیک کهن) ص ۹۸ (بیروت ۱۹۷۹). قطعا کلمه (فنخو) در دوران دودمان پنجم ظهور یافت.

۳. منطقه سورى به طور کلی و بر اساس اصطلاح یونانی، به منطقه میان کوه‌های طوروس در شمال، جزیره سینا در جنوب، دریای مدیترانه در غرب و بادیه و بین‌النهرین در شرق گفته می‌شود.

4. Donald Harden, (The Phoenicians), (New York 1962) p.22

۵. انجیل متی ۲۲/۱۵، همچنین بنگر به تکوین ۱۵/۱۰، همچنین کتاب مقدس به صیدونی‌ها به عنوان فینیقی‌ها اشاره نموده است.

مورخان بر این امر اتفاق نظر دارند که کنعانی‌ها تقریباً در نیمه صده سوم قبل از میلاد، هم‌زمان با اموری‌ها به اقلیم سوری هجرت نمودند. امورها ابتدا در شمال سوریه سیر می‌کردند و سپس در مناطق میانی رود فرات ساکن شدند. حال اینکه کنعانی‌ها در ساحل اقامت گزیدند و بعدها به فنیقی‌ها شهرت یافتند. باتوجه به اینکه آن‌ها به مهارت دریانوردی معروف بودند، برخی از پژوهشگران بر این باورند که آن‌ها اساساً از مکانی در شبه جزیره عرب آمده بودند که مشرف به دریا است. به همین علت، پیش از ورود به ساحل سوری^۱، این مهارت را از طریق سواحل دریای سرخ یا خلیج فارس کسب کرده‌اند. از سوی دیگر نیز احتمال دارد آن‌ها از منطقه‌ای دور از دریا آمده و سپس مهارت‌های دریایی‌شان را در نتیجه پیشرفتی طبیعی در منطقه جدیدی در ساحل سوری که در آن سکونت گزیدند، کسب کرده باشند. چه بسا ورود گروه‌های دیگر به این منطقه فشار بیشتری به آن‌ها وارد کرده باشد و در پی آن نتوانستند به مناطق مجاور روند و به دریا روی آوردند. یعنی در واقع آن‌ها مهارت دریایی‌شان را در نتیجه شرایط جغرافیایی و سیاسی به دست آورده بودند و بر سرزمین خاصی با اشکال جغرافیایی مشخص دلالت نمی‌کند.

همچنین تعیین دقیق محل سکونت فنیقی‌ها در ساحل کار آسانی نیست. پژوهشگران باوجود مشخص بودن مکان‌هایی که آثار فنیقی‌ها در آن یافته شده، در این امر اختلاف نظر دارند. شاید بدان علت باشد که میزان گسترش این آثار در عصرهای گوناگون متغیر بود. از این رو چنین برداشت می‌شود که آن‌ها در برخی مناطق ظهور نیافتند یا در آنجا نفوذ نداشتند. اگرچه بیشتر پژوهشگران بر این امر اتفاق نظر دارند که آن‌ها در شکوفاترین دوران خود در دست‌های ساحل شرقی دریای مدیترانه و برخی مناطق داخلی پراکنده شده بودند. در مساحتی که حداقل از شمال لواء تا جنوب کوه کرمل امتداد داشت؛ یعنی حدود یک سوم میانی ساحل شرقی دریای مدیترانه. بنابراین می‌توان لبنان کنونی را بخش بزرگی از منطقه‌ای دانست که آن‌ها در آن سکونت داشتند.^۲

با وجود اینکه عمده تلاش‌های باستان‌شناسی در منطقه خاور نزدیک دیرتر از مناطق دیگر آغاز شد، اما تردیدی نیست آثاری که از آن کشف شده، علاوه بر آثار کشف‌شده در سرزمین‌های دیگر، به منبع اصلی اطلاعاتمان از آن‌ها تبدیل شده است.

۱. برخی پژوهشگران همچون هرودوت، معتقدند که فنیقی‌ها از خلیج فارس وارد شده بودند. بنگر به Herodotus I, I and

VII, 89 برخی نیز بر این باورند که آنان از ساحل احساء آمده بودند.

۲. بنگر به نقشه شماره ۱.

